

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۱۸۲۲۰

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری



دانشگاه هنر

دانشکده سینما و تئاتر

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته ادبیات نمایشی

موضوع نظری:

بررسی اندیشه آرمانشهر / یوتوپیا در آثار هنریک ایبسن
(دشمن مردم ، مرغابی وحشی ، روسمرسهلم)

استاد راهنما:

سرکار خانم شیرین بزرگمهر

موضوع عملی:

گوشندو

۱۳۸۸ / ۵ / ۱۷

استاد راهنما:

سرکار خانم شیرین بزرگمهر

نگارش و تحقیق:

عسل امامی

تیر ۱۳۸۷

۱۱۸۲۶۳

اطلاعات مدرک علمی بریزد
تسمیه بزرگ

دفترخانه دانشکده سینما و تئاتر
تاریخ: ۱۳۸۷/۵/۱۷
شماره: ۲۸۹۲

ورود به دفترخانه دانشگاه هنر
شماره: ۱۳۸۷/۵/۱۷
تاریخ: ۱۳۸۷/۵/۱۷

از پدرم میسرانی به من رسید:

ماه و آفتاب...

هر چه کرد جهان می کردم،

هرگز چیزی از آن کم نمی شود...

دردنیا

مجنون باطنی هستند

که به قدری دیوانه اند

که هیچ چیز هرگز نمی تواند

تب زیبای عشق را

از چشمانشان بریاید...

خداوند آنان را مورد رحمت خود قرار دهد

به خاطر وجود آن هست که زمین گرد است

و خورشید هر روز

طلوع می کند، طلوع می کند، طلوع می کند...

"کرستین بون"

تقدیم بہ

پدر و مادر عزیز و مہربانم

مجال، بی رحانه اندک بود
و واقعه، سخت نامنظر...

از بهار،

خط تاشایی نشیدیم

که قفس،

باغ را پر کرده می کند...

از آفتاب و نفس،

چنان بریده خواهیم شد

که لب از بوسه ناسیراب...

برهنه،

بگو برهنه به خالم کنند

سرپا برهنه

بدانگونه که عشق را نماز می بریم...

که بی سایه جایی

با خاک

عاشقانه در آیم سخن می خواهیم...

تشکر :

با سپاس فراوان از استاد بزرگوار و عزیزم سرکار خانم شیرین بزرگمهر که با دریایی از مهربانی و آرامشی ستودنی در تمام مراحل نگارش این رساله مرا همراهی نمودند و بدون کمک و راهنمایی های ایشان ، نگارش این رساله ممکن نبود.

و با سپاس از اساتید گرامی ، خانمها هلن اولیایی نیا ، طلایه رویایی ، مینو فرشچی ، و آقایان حمید دهقانپور ، دکتر بهزاد قادری ، دکتر احمد الستی ، دکتر محمدحسن احمدی ، منصور براهیمی ، فرهاد توحیدی ، سعید عقیقی ، سعید اسدی و زاون قوکاسیان که با لطف و مهربانی ، با راهنمایی هایشان مرا در مراحل مختلف نگارش این رساله یاری رساندند.

و با تشکر بسیار از مدیر محترم گروه نمایش ، استاد ارجمند جناب آقای شهرام زرگر که با ایجاد محیطی آرام و صمیمی ، چنانچه شایسته فضایی آکادمیک است ، انگیزه مطالعه و تحقیق را در همه دانشجویان ، از جمله اینجانب به وجود آوردند.

و نیز سپاسگزارم از مسئولان محترم کتابخانه ملی ایران و مسئولان کتابخانه دانشگاه هنر و دانشکده سینما تئاتر که صمیمانه کتابهای ارزشمندی را درباره این موضوع در اختیارم نهادند.

چکیده:

از صخره شدم بالا
در هر گام ، دنیایی تنهاتر ، زیباتر !
و ندا آمد : بالاتر ، بالاتر ! ...

در این نوشتار ، برای بررسی اندیشهٔ آرمانشهر در نمایشنامه‌های "دشمن مردم" ، "مرغابی وحشی" و "روسمرسهولم" ، با استفاده از روش پژوهش توصیفی / *descriptive* ، ابتدا پیشینهٔ اندیشهٔ آرمانشهر (یوتوپیا) و سپس پیشینهٔ اندیشهٔ ضد آرمانشهر (دستوپیا) مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است؛ پس از آن به بیان نظریات تنی چند از فلاسفه و اندیشمندان پیرامون اندیشهٔ آرمانشهر ، پرداخته شده است و با نگاهی به زندگی و آثار "هنریک ایبسن" ، جایگاه اندیشهٔ آرمانشهر و آرمان‌های عصر روشنگری در نمایشنامه‌های "دشمن مردم" ، "مرغابی وحشی" و "روسمرسهولم" مورد بررسی قرار گرفته است . در مجموع می‌توان گفت که در این پژوهش نکات قابل توجهی ، در شرح چگونگی بازتاب اندیشهٔ آرمانشهر در نمایشنامه‌های "هنریک ایبسن" و موضع او نسبت به اندیشه‌های آرمانشهرگرایان پیش از خود و یا همزمان خود ، به دست آمده است که یقیناً می‌تواند دستمایه‌ای برای تحقیقاتی از این نوع باشد که در جای خود بسیار حائز اهمیت است .

واژگان کلیدی : هنریک ایبسن ، عصر روشنگری ، یوتوپیا ، دستوپیا ، ایده آلیسم ، عصر طلایی.

فهرست مطالب :

- مقدمه ۵
- « دلایل انتخاب موضوع » ۵
- « بیان مسأله » ۶
- « اهداف تحقیق » ۹
- بخش اول : « پیشینه تحقیق » ۱۰
- فصل اول : « پیشینه اندیشه آرمانشهر (مدینه فاضله / یوتوپیا) » ۱۱
- پی نوشت فصل اول ۲۷
- فصل دوم : « پیشینه اندیشه ضد آرمانشهر (شهر آرمان باخته / دیستوپیا) » ۳۰
- پی نوشت فصل دوم ۴۱
- فصل سوم : « نظریاتی پیرامون اندیشه آرمانشهر » ۴۳
- آرمانشهر از افلاطون تا تافلر ۴۴
- مدینه فاضله فارابی و آرمانشهر افلاطون ۵۱
- افلاطون : « آرمانشهر ، تصویر کمال » ۶۴

توماس مور : « آرمانشهر ، تصویر بهترین حکومت ممکن » ۷۲

ویکتور هوگو : « آرمانشهر ، رویایی والا » ۷۴

امیل زولا : « آرمانشهر ، بهشت بازیافته » ۷۷

– فصل چهارم : « نگاهی به زندگی و آثار "هنریک ایبسن" » ۸۰

پی نوشت فصل چهارم ۹۱

■ **بخش دوم : « یافته‌ها و بحث »** ۹۳

– فصل اول : اندیشه آرمانشهر در نمایشنامه "دشمن مردم" ۹۴

– فصل دوم : اندیشه آرمانشهر در نمایشنامه "مرغابی وحشی" ۱۲۰

– فصل سوم : اندیشه آرمانشهر در نمایشنامه "روسمرسهولم" ۱۴۶

■ **بخش سوم : جمع بندی** ۱۸۲

– توصیه ها ۱۸۷

■ **بخش چهارم : راهنمای واژه ها** ۱۸۸

فهرست منابع ۱۹۹

کتاب شناسی ۲۰۶

■ بخش پنجم : پایان نامه عملی ۲۱۸

- چکیده انگلیسی (abstract) ۲۹۴

دلایل انتخاب موضوع :

- اندیشه آرمانشهر / یوتوپیا ، به معنی کمالگرایی آرمانی ، غایت مطلوب کمال و طرح جامعه‌ای ایده‌آل ، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان بوده است؛ چنانکه این اندیشه با توجه به مبانی فلسفی و سرگذشت تاریخی آن ، در آثار نویسندگان و هنرمندان بسیاری بازتاب یافته است و می‌تواند از اولویت‌های هر پژوهشی تلقی گردد .

- با توجه به آنکه "هنریک ایبسن" ، به آرمان‌های عصر روشنگری و اندیشه‌های آرمانشهرگرایانه این دوره ، گرایش بسیار زیادی داشت و سالها در این زمینه به مطالعه پرداخته بود ، بررسی آثار او از این نقطه نظر بسیار حائز اهمیت است و به بازشناسی لایه‌های زیرین آنها و هدف غائی او از نگارش این آثار کمک شایانی خواهد نمود .

- با اینکه اندیشه آرمانشهر دغدغه خاطر بسیاری از فلاسفه ، اندیشمندان ، هنرمندان و نویسندگان بوده است و این نگرش-به گونه‌ای در آثار آنها انعکاس یافته و توجه به آن در خوانش و بازشناسی این آثار دارای اهمیت بسیاری است ، ولی با این وجود عدم پرداختن به این مقوله و نادیده گرفتن آن ، یکی از کاستی‌ها و نارسائی‌های پژوهش‌های موجود در زمینه بررسی آثار این نویسندگان محسوب می‌شود که اغلب به خوانشی یکسویه و سطحی منجر می‌گردد . بنابراین چنانچه این موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد ، در تحلیل موشکافانه این آثار و آگاه‌سازی دانش پژوهان ، بسیار مؤثر واقع خواهد شد .

بیان مسأله :

انسان در نخستین دوران حیات خود و نیز در آغاز تاریخ اجتماعی اش ، به طبع ، شرور و مقهور عواطف و امیال خودخواهانه خویش است . اگر چنین نبود ((وضعیت طبیعی)) برایش ((عصرطلائی)) بودو انسان در آن وضعیت ، آرامشی سعادت‌آمیز داشت و همچنان باقی می‌ماند. اما تصویر سراپا خشم و غوغای آن دوران تیره و تار ، پیش از پیدایش اندیشه آرمانشهر ، اینگونه نبود . از آنجا که بدی ، بر انسان حاکم است ، انسان سرنوشتی فاجعه‌بار و جنایت‌آمیز دارد و درست همین موجب مشروعیت رستگاری آرمانی میشود. زیرا سرگشتگی انسانها و انسان پریشان حال و مضطرب منجر به جستجوی راهی به طرف رستگاری و نجات می‌گردد.

« اگر انسان به ذات ، خوب بود ، آرمانشهر بیهوده و مضحک می‌نمود ؛ اما چنین نیست »

(فردریک روویون ۱۹:۱۳۸۵).

آنچه تمامی آرمانشهرها را به هم پیوند می‌دهد ، اندیشه کمال مطلوب است که از دیرباز مورد توجه اندیشمندان و فلاسفه بوده است ؛ چنانچه نخستین بار ، "افلاطون" فیلسوف یونانی ، که او را پدر فلسفه ایده‌آلیسم خوانده‌اند ، در کتاب "جمهور" (قرن ۴ ق.م) با توصیف جمهور ایده‌آل ، گرایش به آرمانشهر و کمال مطلوب را پیش کشید . هدف اصلی کتاب او ، طرح‌ریزی مدینه فاضله و تحقق کمال مطلوب در تمامی امور جامعه است .

او در عالم خیال ، شهری را پی‌ریزی می‌کند که « صفت عدل هم در تشکیلات و هم در اخلاق افراد آن محقق باشد » (افلاطون ۱۳۸۴:۴).

افلاطون در جلد هفتم کتاب "جمهور" ، آرمانشهر را چنین توصیف می‌کند : « شهری که روزگار ملتش قرین سعادت خواهد بود » (افلاطون ۱۳۸۴:۴۴۵).

باید گفت که « اندیشه آرمانشهر در مفهوم یک نوع ادبی ، در دوران تجدید حیات (رنسانس) ، یعنی هنگامی که موضوع‌های مهم نوگرایی غربی ، طراحی و ساخته و پرداخته می‌شدند ، در محیط روشنفکری ناشی از نخستین تکان‌های نوگرایی پدید آمد و در عصر روشنگری ، رشد یافت و به کمال رسید » (فردریک روویون ۱۳۸۵:۳۴).

اندیشه آرمانشهر جایگاه بسیار مهمی در بررسی دیدگاه‌های فلاسفه ، اندیشمندان و نویسندگان داشته است ؛ زیرا که هریک با توجه به جهان‌بینی خود از زاویه‌های گوناگون به این موضوع نگریسته‌اند و آرمانشهرها بسته به اینکه معتقدان به آنها ، چه تصویری درباره عناصر مطلوب یک حیات جمعی آرمانی دارند ، گونه‌های مختلفی می‌یابند .

"هنریک ایبسن" نیز « همواره نظراتی قاطع و انتقادی نسبت به پلیدی‌های جامعه داشت و اندیشه‌های عصر روشنگری و گرایش‌های آرمان‌گرایانه ، از دغدغه‌های اصلی او محسوب می‌شدند ؛ زیرا که در جامعه سوداگر و در میان ایده‌آل‌های پوسیده ، در جستجوی آرامش ، آزادی و آرمانشهر بود » (منصور خلج ۱۳۶۹: ۲۳۷-۲۳۶). چنانکه بازتاب این نگرش را بیش از

همه در نمایشنامه های دشمن مردم ، مرغابی وحشی و روسمرسهلم می توان دید. با اینکه تا کنون به این موضوع پرداخته نشده است و منابع گسترده‌ای به ویژه به زبان فارسی در اختیار نیست ، در این نوشتار سعی شده است با استفاده از روش پژوهش توصیفی / *descriptive* ، اندیشهٔ آرمانشهر در نمایشنامه های دشمن مردم ، مرغابی وحشی و روسمرسهلم اثر "هنریک ایبسن" مورد بررسی قرارگیرد و به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود : اینکه اندیشهٔ آرمانشهر و آرمان‌های عصر روشنگری ، در آثار او چه جایگاهی دارد؛ آیا موضع او نسبت به اندیشه‌های آرمانشهرگرایان پیش از خود و یا همزمان خود ، در آثارش نیز بازتاب یافته است؛ ویژگی‌ها و عناصر مطلوبی که او برای آرمانشهر خود متصور است ، چیست؛ آیا او در تمام آثار خود دیدگاه یکسانی را نسبت به اندیشهٔ آرمانشهر در پیش گرفته است؛ و اینکه آرمانگرایی و اندیشهٔ آرمانشهر در نمایشنامه‌های "دشمن مردم" ، "مرغابی وحشی" و "روسمرسهلم" چگونه بازتاب یافته است.

اهداف تحقیق:

هدف کلی : تبیین اندیشه آرمانشهر* در آثار "هنریک ایسن" (دشمن مردم ، مرغابی

وحشی، روسمر سهولم)

اهداف اختصاصی :

۱- تبیین اندیشه آرمانشهر

۲- تبیین اندیشه آرمانشهر در نمایشنامه "دشمن مردم"

۳- تبیین اندیشه آرمانشهر در نمایشنامه "مرغابی وحشی"

۴- تبیین اندیشه آرمانشهر در نمایشنامه "روسمر سهولم"

* آرمانشهر : "یوتوپیا" یا مدینه فاضله‌ای که در آن همه چیز در منزل کمال مستقر است ، دیاری که همه چیز آن نیک است و همه انسانها در آن از خیر و سعادت و آزادی بهره‌مند می‌شوند و به سوی وضعیت آرمانی "کمال مطلوب" هدایت می‌گردند.

بخش اول : پیشینه تحقیق

- فصل اول : پیشینه اندیشه آرمانشهر (مدینه فاضله / یوتوپیا)
- فصل دوم: پیشینه اندیشه ضد آرمانشهر (شهر آرمان باخته/ دیستوپیا)
- فصل سوم : نظریاتی پیرامون اندیشه آرمانشهر
- فصل چهارم : نگاهی به زندگی و آثار « هنریک ایبسن »

فصل اول :

پیشینه اندیشه آرمانشهر (مدینه فاضله / یوتوپیا)

فصل اول : « پیشینه اندیشه آرمانشهر (مدینه فاضله / یوتوپیا) »

« "آرمانشهر" یا "مدینه فاضله" که گاهی به آن "ناکجا آباد" یا "یوتوپیا" نیز می‌گویند،

برگرفته از واژه " *utopia* " یا " *Otopos* " و کلمه‌ای یونانی می‌باشد به معنی هیچستان «

(سیما داد ۱۳۸۳: ۱۷).

« واژه " *utopia* " در زبان انگلیسی (*utopie* در زبان فرانسه) را "توماس مور" انگلیسی ابداع

نموده که همانطور که گفته شد ریشه آن ، دو واژه یونانی " *Ou* " به معنای "نه" و " *topos* " به

معنای "مکان" می‌باشد که روی هم رفته به معنای "ناکجا آباد (*Otopos*) " می‌باشد «

(فردریک روویون ۱۳۸۵: ۵).

« اصطلاح ادبیات آرمانشهر یا ادبیات مدینه فاضله (*utopian literature*) که مأخوذ از همین

واژه است ، به آن دسته از آثار ادبی عطف می‌کند که به طرح جامعه آرمانی می‌پردازد. نخستین

بار، "افلاطون" فیلسوف یونانی در کتاب "جمهور" خود با توصیف جمهور ایده‌آل گرایش به

آرمانشهر را پیش کشید « (سیما داد ۱۳۸۳: ۱۷). « او که نخستین منبع عام ایده‌آل در این

زمینه را طرح ریخت، در کتاب "جمهور" (قرن ۴ ق.م) دولتی طرح نمود که فیلسوفان برآن

حکومت می‌کنند، مالکیت اموال و زنان اشتراکی است، زاد و ولد کودکان به شیوه‌های اصلاح‌نژاد

تحت نظارت است و البته اثری از هنر و نمایش و یا شعر و شاعری در آن نیست. این یک

اتوپیای اسپارتی و در واقع نمونه اولیه دولت توتالیتار بود» (جان آنتونی کادن ۱۳۸۰: ۴۷۸).

« مفهوم جمهور ، همان دولت بیدار است؛ یعنی جماعتی که پیرطریقت بر آنها سلطه داشته است و رمزگونه های آفرینش جهان را به پیروان خویش تعلیم می داده است. مدینه فاضله سرآغاز خلق جدید می باشد » (شین پرتو ۱۷:۱۳۷۰). « مدینه فاضله جامعه ای ایده آل و سالم است. سرگشتگی انسانها و انسان پریشان حال ، منجر به جستجوی راهی به طرف نجات می گردد و اشتباهات بزرگ در این راه ، خود فجایع تازه ای را خلق می کند » (پرویز فروردین ۱۳۶۳:۱۳-۱۲). در حقیقت یوتوپیا همان مدینه فاضله است، یعنی آرمانشهری که در آن همه چیز در کمال مستقر است.

« "سرتوماس مور"^۱، انسان گرا (اومانیست)^۲ انگلیسی در قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم ، برای نخستین بار اصطلاح "اتوپیا" را به عنوان یک نوع ادبی به کاربرد و نام جمهوری خیالی اش را "اتوپیا" (۱۵۱۶) گذاشت که جناسی است از "eutopia" در معنای "جایی که همه چیزش نیک است » (کادن ۱۳۸۰:۴۷۷).

« جامعه رفاه "توماس مور" نیز اشتراکی بود؛ طرد مالکیت خصوصی ، آموزش رایگان دانشگاهی ، پوشاک سودمند، درمان رایگان، درحالیکه تمام ادیان مجاز بود اما قوانین کیفری، به خصوص در موارد جنسی بسیار شدید بود؛ زنا مستوجب بردگی بود و تکرار جرم جزای مرگ داشت » (همان : ۴۷۸).